

بررسی سندی و دلالتی روایت «الدعاء أفضل من قراءة القرآن»

مرضیه نسا جیان^۱
حسین ستار^۲

چکیده

افزون بر آیات قرآن، روایات بسیاری درباره دعا و اهمیت آن نقل شده که یکی از این روایات، روایت «الدعاء أفضل من قراءة القرآن» است. نوشتار پیش رو کنکاشی در سند و متن این روایت است. هرچند عده‌ای از اندیشمندان مسلمان، برتری دعا بر قرائت قرآن را با استناد به این روایت پذیرفته‌اند، عده‌ای دیگر با توجه به روایت کثیر در فضیلت قرائت قرآن، آن را قابل تأویل دانسته و گروهی نیز به جمع بین اخبار فضیلت قرآن و حدیث و برتری دعا بر قرائت قرآن روی آورده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که با توجه به صحت سندی روایت یادشده، بهترین راه حل، جمع بین اخبار است.

کلیدواژه‌ها: قرائت قرآن، دعا، جمع اخبار، ارزیابی سندی.

مقدمه

از جمله مواردی که انسان در شرایط سخت زندگی بدان پناه می‌برد، دعا خواندن است که نشئت گرفته از روح اوست. از آن‌جا که از دیدگاه اسلام، دعا موضوع مهمی است، در قرآن کریم هم بدان اشاره شده است آن‌جا که می‌فرماید: ﴿مَا يَعْزُبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾ (فرقان: ۷۷)؛ اگر دعای شما نبود، خداوند به شما اعتنا و توجهی نداشت. همچنین روایات بسیاری بر اهمیت دعا در زندگی انسان دلالت دارند (برای نمونه، ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ش: ۲/۲).

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۳/۱۷.

۱. کارشناسی ارشد رشته الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان (kashanu75@gmail.com)

۲. استادیار دانشگاه کاشان، رشته الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث (sattar@mail.kashanu.ac.ir)

کتاب دعا). از بین این روایات، روایتی با این مضمون به چشم می‌خورد که «دعا از قرآن خواندن برتر است»؛ این در حالی است که در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ می‌خوانیم: «أفضل عبادة أمتي بعد قراءة القرآن الدعاء» (راوندی، ۱۳۶۶ ش: ۱۹)؛ برترین عبادت امت من بعد از قرائت قرآن، دعا است.

بیشتر کتاب‌هایی که درباره دعا نگاشته شده‌اند، به روایت مورد نظر استناد می‌کنند. شکی نیست که عنایت پروردگار از طرق مختلفی متوجه حال انسان می‌شود و یکی از شریف‌ترین این طرق، دعا به درگاه حق تعالی است. از طرف دیگر، امور دین اسلام، متکی به دستورهای قرآن کریم است و مخالف نص قرآن کریم در دین مبین اسلام جایگاهی ندارد. از آن‌جا که قرآن، میزان و خط‌کش است تا روایات در سایه آن پذیرفته شوند، در مواجهه با فراز «الدعاء أفضل من قراءة القرآن»، این نوشتار نگاهی به سند و همچنین معنا و شرحی که در منابع از این حدیث به دست داده‌اند، داشته است.

بازشناسی منابع مختلف نقل‌کننده روایت

قدیمی‌ترین منبعی که این روایت در آن یافت شد، کتاب فقه الرضا است (منسوب به امام رضا، ۱۴۰۶ ق: ۳۴۵). بعد از آن در دعائم الاسلام (مغربی، ۱۳۸۵ ق: ۱/۱۶۶) و تهذیب الأحکام (طوسی، ۱۳۶۴ ش: ۲/۱۰۴) به گونه دیگری نقل شده است. کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (ابن‌عبدبر، ۱۴۱۰ ق: ۳/۵۵۱ و ۵۹۸) نیز این روایت را با اندکی تفاوت از کتاب دعائم الاسلام نقل کرده است.

در میان متأخران، علامه حلّی (۱۴۱۴ ق) نیز این روایت را به نقل از تهذیب الأحکام ذکر کرده است (۲۴۱/۳).

تعداد منابعی که ناقل این سه گونه روایت بوده‌اند، قابل توجه است. در جدول پیش رو، منابع ناقل این روایت به ترتیب سیر تاریخی، درج شده‌اند:

منبع	مؤلف	قرن	أدرس
فقه الرضا ^۱	منسوب به امام رضا	۲	ص ۳۴۵
دعائم الاسلام ^۲	نعمان بن محمد تمیمی مغربی	۴	ج ۱، ص ۱۶۶
تهذیب الأحكام فی شرح المقنعه للشیخ المفید	شیخ طوسی	۵	ج ۲، ص ۱۰۴
السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی	ابن ادريس حلی	۶	ج ۳، ص ۵۹۸ و ۵۵۱
مكارم الأخلاق ^۳	حسن بن فضل طبرسی	۶	ج ۱، ص ۳۸۹
فلاح السائل و نجاح المسائل	سید بن طاووس	۷	ص ۳۰
عدة الداعي و نجاح الساعي	ابن فهد حلی	۹	ص ۱۹ و ۴۱
المصباح - جنة الأمان الواقية و جنة الايمان الباقية	ابراهيم بن علی عاملی کفعمی	۱۰	ص ۷۶۹
الوافی	فیض کاشانی	۱۱	ج ۹، ص ۱۴۷۱
وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة	شیخ حر عاملی	۱۲	ج ۴، ص ۹۴۸ و ۱۰۲۰
هدایة الأمة الی احکام الأئمة	شیخ حر عاملی		ج ۳، ص ۹۹
بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار	محمّدباقر مجلسی	۱۲	ج ۹۰، ص ۲۹۲، ۲۹۶ و ۲۹۸؛ ج ۸۱، ص ۲۲۳؛ ج ۸۲، ص ۱۱۷ و ۳۲۶
ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار	محمّدباقر مجلسی		ج ۳، ص ۶۰۷
الحدائق الناظرة فی أحكام العترة الطاهرة	شیخ یوسف بحرانی		ج ۸، ص ۲۷۳
جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام	شیخ محمدحسن نجفی جواهری	۱۳	ج ۷، ص ۲۰۱
مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل	محدث نوری	۱۴	ج ۵، ص ۳۲، ۳۳ و ۱۵۹ ج ۵، ص ۱۶۹
مستمک العروة الوثقی	سید محسن طباطبائی حکیم	۱۴	ج ۶، ص ۵۰۷

۱. برخی از بزرگان، این کتاب را از امام نمی دانند (تهرانی، ۱۳۹۴ ش: ۱۴۵).

۲. بعضی مانند ابن شهر آشوب و صاحب جامع الروات مؤلف آن را شیعه نمی دانند؛ ولی کتاب وی را کتاب خوبی می دانند و برخی مانند صاحب جواهر کتاب و نویسنده را غیر معتبر می دانند (همان: ۱۴۶).

۳. این کتاب در سال ۱۳۰۳ تحریف شد؛ اما سید محمد امین، موارد تحریف را مشخص کرده است (همان: ۱۴۹).

گونه‌های نقل در کتب روایی

این حدیث به سه صورت در منابع روایی آمده است:

در کتاب الفقه المنسوب الی امام الرضا این حدیث از امام صادق علیه السلام این چنین نقل شده

است:

و روی عن العالم علیه السلام أنه قال: لكل داء دواء. سألته عن ذلك فقال: لكل داء دعاء، فإذا ألهم العليل الدعاء، فقد أذن في شفائه. ثم قال لي العالم علیه السلام: الدعاء أفضل من قراءة القرآن، لأن الله تعالى يقول: ﴿قل ما يعبؤا بكم ربى لولا دعاؤكم فقد كذبتم فسوف يكون لزاما﴾ وإن الله يؤخر إجابة المؤمن شوقا إلى دعائه، و يقول: صوت أحب أن أسمعه، و يعجل إجابة دعاء المنافق و يقول: صوت أكره سماعه. و أفضل الدعاء الصلاة على رسول الله صلى الله عليه وآله، و الدعاء لإخوانك المؤمنين، ثم الدعاء لنفسك بما أحببت (منسوب به امام رضا، ۱۴۰۶ ق: ۳۴۵).

از امام کاظم علیه السلام روایت شده که فرمود: «برای هر دردی دارویی است». از این [دارو] پرسیده شد؟ حضرت فرمود: «برای هر بیماری دعایی است، پس هر گاه به مریض الهام شد که دعا کند، اذن شفاى او داده شده است». سپس امام کاظم علیه السلام به من فرمود: «دعا برتر از قرائت قرآن است؛ زیرا خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: ﴿بگو اگر دعایتان نباشد، پروردگارم به شما ارجی نهد، پس شما که آیات خدا و پیامبرش را تکذیب کردید، به زودی کيفر این تکذیب ملازم شما خواهد بود﴾. قطعاً خداوند اجابت دعای مؤمن را به تأخیر انداخته به خاطر اشتیاق به دعای او و می‌گوید: این صدایی است که دوست دارم بشنوم، اما درخواست منافق را زود پاسخ داده، می‌فرماید: این صدایی است که شنیدن آن را ناخوش و ناپسند می‌دارم. برترین دعا درود بر رسول خدا صلى الله عليه وآله است و دعا به برادران دینی و سپس دعا برای خودت به آنچه که دوست داری».

۱. منظور از عالم در پایان اسناد حدیث، شخص معصوم علیه السلام است و بیشتر به جهت تقیه درباره ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام به کار می‌رود. نیز گفته شده از القاب امام هادی علیه السلام است. به نظر برخی عالمان، این واژه، افاده مدح بدون تعدیل می‌کند و از الفاظ مدحی است که حدیث را در قسم حسن داخل می‌کند. بنابراین، حدیث چنین کسی معتبر و قوی و شاهد است (قاسم پور، ۱۳۸۹ ش: ۱۴۰).

نماز بهتر است. آیا نشنیده‌ای که خدای تعالی فرموده است: ﴿هر قدر می‌توانید قرآن بخوانید﴾ و ﴿نماز را به پا دارید﴾؟! منظور از اقامه نماز، رکوع و سجود طولانی است. [راوی گوید] گفتم: کدام عمل بهتر است: زیاد قرآن خواندن یا زیاد دعا کردن؟ پس فرمود: «زیاد دعا کردن بهتر است. آیا نشنیده‌ای که خدای تعالی به پیامبرش ﷺ فرمود: "اگر دعای شما نبود، خداوند به شما اعتنا و توجهی نداشت"».

ارزیابی سلسله سند

اولین مأخذی که گونه اول این روایت را نقل کرده، کتاب فقه الرضا است که روایات آن به صورت مرسل نقل شده است؛ اما این روایت با دو سند در دیگر منابع روایی گزارش شده است:

رواه الحسين بن سعيد عن حماد بن عيسى و فضالة عن معاوية بن عمار قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام (سید بن طاووس، ۱۴۰۶ ق: ۳۰).

گاهی در میان اسامی راویان در سند احادیث، حرف واو قرار می‌گیرد که از آن به او حیلولة تعبیر می‌کنند (خارج فقه مقارن، بیتا: ۳۱۵). در واقع این واو، یک سند را به دو سند تبدیل می‌کند. در سند یادشده، چنین واوی قرار دارد که در این جا واو را بر حسین بن سعید عطف می‌زنیم و در حقیقت بهتر است که به این شکل بنویسیم:

- حسین بن سعید عن حماد بن عيسى عن معاوية بن عمار

- حسین بن سعید عن فضالة عن معاوية بن عمار

فایده چنین کاری این است که اگر در یکی از دو سند که به آن دسترسی یافتیم، ضعف باشد، سند دیگر، جبران آن ضعف را می‌کند و به اعتبار روایت، ضرری نمی‌رساند (همان).

حسین بن سعید: او از اصحاب امام رضا (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۵۵)، امام جواد (همان: ۳۷۴) و امام هادی عليه السلام (همان: ۳۸۵) به شمار می‌رود. علامه حلی در خلاصة الأقول او را ثقه، عین و جلیل القدر معرفی می‌کند (اهوازی، ۱۳۹۹ق: ۲۳). مجلسی اول بیان می‌کند که: «مدار علما برعمل به روایات و کتب اوست. اگر چه علما اجماع بر او را نقل نکرده‌اند؛ اما اتفاق علما بر او و بر اخبارش دیده می‌شود» (اهوازی، ۱۳۹۹ق: ۲۳).



عَلَّامَه مجلسی نیز در بحار الأنوار ذکر کرده که عمده محدثان، حسین بن سعید را ثقه می‌دانند (همان).

حمّاد بن عیسی: از اصحاب امام صادق (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۸۷) و امام کاظم علیه السلام (همان: ۳۳۴) به شمار می‌رود. او را با صفاتی چون ثقه (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۵۶) و صدوق (نجاشی، بی‌تا: ۱۴۲) ستوده‌اند. کشی، حماد را به عنوان یکی از اصحاب اجماع که امامیه روایاتشان را صحیح دانسته، گفته‌های آنها را تصدیق کرده و بر فقیه بودنشان اعتراف کرده‌اند معرفی می‌کند (کشی، ۱۳۴۸ ش: ۳۷۵). عَلَّامَه حَلّی (۱۴۱۷ق) بیان می‌کند که او در نقل حدیث، شخصی محتاط بوده است (۱۲۴). از میان علمای اهل سنت، یحیی بن معین، از حمّاد به عنوان شیخ صالح یاد می‌کند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۴۹/۲۰).

معاویة بن عمّار: او از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیه السلام به شمار می‌رود (نجاشی، بی‌تا: ۴۱۱/۱؛ طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۰۳؛ برقی، بی‌تا: ۳۳). ابن شهر آشوب نیز او را از اصحاب خاص امام صادق علیه السلام دانسته است (سبحانی، بی‌تا: ۵۴۸/۲). همچنین وی را حامل علوم امام صادق و امام کاظم علیه السلام می‌دانند (همان). ذهبی و ابن حجر او را صدوق خوانده‌اند (همان) و علمای رجال بر ثقه بودنش اشاره کرده‌اند (از جمله: سبحانی، بی‌تا: ۵۴۸/۲؛ حلی، ۱۴۱۷ق: ۱۶۶).

فضاله: فضالة بن ایوب، ثقه و از اصحاب امام کاظم (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۲) و امام رضا علیه السلام (همان: ۳۶۳) به شمار می‌رود. بعضی از علمای رجال امامیه، فضالة بن ایوب را از اصحاب اجماع می‌دانند (کشی، ۱۳۴۸ ش: ۵۵۶). نجاشی (بی‌تا: ص ۳۱۱) و عَلَّامَه حَلّی (۱۴۱۷ق: ۲۷۴) نیز به ثقه بودنش در حدیث و استقامتش در دین اشاره می‌کنند.

طریق اولی که از این سند یافت شد، شیخ طوسی نیز آن را ذکر کرده است (طوسی، ۱۳۶۴ ش: ۱۰۴/۲).

وثاقت راویان این سند که بعضاً از طرف علمای اهل سنت نیز بوده، نشان از آن دارد که در مواجهه با این سند باید آن را پذیرفت؛ همچنان‌که مجلسی اول (بی‌تا: ۳۰/۱۲) از این حدیث - که راوی آن معاویة بن عمّار است - به عنوان حدیث صحیح یاد می‌کند. علاوه بر این، مرحوم مجلسی دوم (۱۴۰۶ق: ۶۰۷/۳)، شیخ محمدحسن نجفی

جواهری (نجفی، ۱۳۶۲ش: ۲۰۱/۷) و سید محسن طباطبائی (۱۳۹۱ق: ۵۰۷/۶) نیز از این حدیث به عنوان حدیث صحیح یاد کرده‌اند.

حسن بن محبوب عن حارث بن الأحول عن برید عجلی قال قلت لابی جعفر علیه السلام (ابن ادریس حلّی، ۱۴۱۰ ق: ۵۹۸/۳).

حسن بن محبوب السراد: از اصحاب امام کاظم (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۴) و امام رضا علیه السلام (همان: ۳۵۴) به شمار می‌رود. علمای رجال بر ثقه بودنش تصریح کرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۲۲؛ ابن داوود، بی‌تا: ۷۷؛ حلّی، ۱۴۱۷ق: ۳۷). کشی نام وی را در شمار اصحاب اجماع آورده است (همان).

حارث بن الأحول: شیخ طوسی و برقی او را از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده‌اند (خوئی، ۱۴۰۹ ق: ۱۸۸/۴). به دلیل نقل حارث از حسن بن محبوب و ابن ابی عمیر که از اصحاب اجماع هستند و از آن‌جا که روایات اصحاب اجماع مورد قبول است، وحید بهبهانی به او اعتماد کرده است (همان). شیخ طوسی، حارث بن احوّل را دارای اصلی می‌داند و آن را با سندی که به حسن بن محبوب می‌رسد، روایت کرده است (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۲۰). نجاشی نیز طریق خود را به اصل حارث بن احوّل ذکر کرده است (نجاشی، بی‌تا: ۱۴۰)؛ اما مرحوم خوئی، طریق شیخ به حارث بن احوّل را بخاطر وجود ابی مفضل و ابن بطه ضعیف می‌داند و قائل به تفاوت میان طریق شیخ و نجاشی به حارث بن احوّل است و بیان می‌کند که: «یا در طریق شیخ، شخصی افتاده است یا در طریق نجاشی شخصی اضافه شده است» (خوئی، ۱۴۰۹ ق: ۱۸۸/۴).

برید بن معاویه عجلی: او از اصحاب امام باقر (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۸) و امام صادق علیه السلام (همان: ۱۷۱) به شمار می‌رود. امامیه بر تصدیق اولین گروه از اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام اتفاق نظر دارند و برید بن معاویه عجلی نیز یکی از این شش فقیهی است که کشی ذکر کرده است (کشی، ۱۳۴۸ش: ۲۳۸). در مقام ستایش او و چند نفر دیگر، سلیمان بن خالد گوید: «شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود: کسی زنده‌کننده یاد ما و احادیث پدرم نیست مگر زاره، ابوبصیر لیث مرادی، محمد بن مسلم و برید بن معاویه عجلی. اگر آنها نبودند کسی احادیث ما را استنباط نمی‌کرد. آنها نگهبانان دین و امنای پدرم بر حلال و حرام خدا هستند.



آنها پیشی گیرندگان به سوی ما در دنیا و پیشی گیرندگان به سوی ما در آخرت هستند» (همان: ۱۳۷). ابن داوود، برید را از کسانی می‌داند که امامیه بر توثیق آنها اتفاق نظر دارند (ابن داوود، بی‌تا: ۶۵).

برید از حواریون امام باقر و امام صادق علیهما السلام است و از آنها روایت کرده است (علامه حلی، ۱۴۱۷ق: ۲۶). علامه حلی او را ثقه و فقیه می‌داند و به جایگاه او نزد ائمه اشاره می‌کند (همان).

در ارزیابی سند دوم باید گفت که حسین بن محبوب و برید بن معاویه از اصحاب اجماع هستند؛ اما در میان سند، حارث بن احوول وجود دارد. عمل کردن فقها به یک روایت فقهی حارث بن احوول نشان از اعتماد بر او ندارد؛ چرا که مرحوم خوئی (۱۴۰۹ق) معتقد است که این اتفاق در فقه شایع بوده و فقها به روایتی که اعتمادی بر او یابان آن نداشته‌اند عمل کرده‌اند و به دلیل طریق ضعیف شیخ به حارث، او را ثقه نمی‌داند (۱۸۸/۴). بنابراین عدم اعتماد علمای رجال بر حارث، این سند را از درجه صحت پایین می‌آورد.

بررسی‌های رجالی، نشانگر صحت سند اول است و سند دوم که ضعیف است می‌تواند مؤیدی برای سند اول باشد. بنابراین، وثاقت صدوری حدیث ثابت است.

بررسی دیدگاه‌ها در مورد مضمون حدیث

۱. ظاهر عبارت «ثم انصرفا» که در متن روایت آمده، دال بر این است که شیخ طوسی چنین برداشت کرده است که مراد از انصراف و برگشتن آنها، انصراف و برگشتن از تعقیب نماز است و در واقع، قرائت و دعا را به قرآن خواندن و دعا کردن بعد از نماز حمل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ۳/۶۰۷).

علامه مجلسی پس از بیان برداشت شیخ طوسی از روایت مطرح می‌کند: این در حالی است که از ظاهر روایت به دست می‌آید مراد از دعا و قرائت، دعا و قرائت در نماز است.

۲. شیخ بهائی (بی‌تا) معتقد است: «شاید مراد از دعا، حضور قلب، توجه کامل و انقطاع تام به سوی حق تعالی است. همان‌طور که فرموده امام "هی والله اشدهن" به آن راهنمایی می‌کند و ظاهراً ضمیر "هی" به دعا (به معنی دعوت کردن) و ضمیر در "اشدهن" به اموری که نمازگزار به واسطه دعا در نماز می‌گوید برمی‌گردد» (۲۳۵).

۳. مرحوم مجلسی (۱۴۰۶ ق) به نقل از سبط مدقق رحمته الله می‌گوید: «گاهی گفته می‌شود: تخصیص دعا به همه اوصاف ذکر شده در روایت اقتضا می‌کند که نماز از قرائت قرآن خالی باشد و قرائت قرآنی در نماز خوانده نشود؛ درحالی که این مطلب، متوقف بر وجود معارضی است که دلالت بر برتر بودن قرائت قرآن بر دعا می‌کند و در برابر مقید نمودن به اوصاف مذکور در روایت، باید خلاف ظاهر روایت معنا شود. رجوع ضمیر "هی" به دعا خلاف ظاهر روایت است و نص روایت بر آن دلالت ندارد؛ بلکه ضمیر "هی" به عبادت بر می‌گردد و احتمال این که عبادت در آیه ﴿ان الذین یتکبرون عن عبادتی﴾ اراده شده باشد، ممکن است. آیه متضمن وارد شدن به جهنم است که با تأمل در روایت، مخالف این برداشت نیست» (۶۰۸/۳).

۴. مرحوم مجلسی پس از نقل سخن سبط مدقق رحمته الله می‌گوید: «در این هنگام اراده می‌شود (الله اعلم) که عبادت همان دعا و دعا برتر از قرائت است و التزام به این مطلب، مستلزم جواب و سؤال نیست» (همان).

۵. مرحوم مجلسی این اشکال را نیز مطرح می‌کند که: اگر عبادت حقیقی اراده شود، فرد از مطلوب در سؤال عدول می‌کند، که سکوت از آن بهتر و خدا به حقیقت مرام اولیائش دانایتر است (همان).

۶. احتمال دیگری که از سوی مرحوم مجلسی بیان شده این است که: امکان دارد این روایت برتری عمل مستحب بر واجب را برساند؛ زیرا قرائت، واجب است و دعا، مستحب؛ بنابراین این احتمال وجود دارد که مراد از دعا در روایت ذکرهای رکوع و سجود یا قنوت باشد (همان).

۷. بعید نیست که اراده قرائت سوره شود، در این صورت استحباب آن را می‌رساند و در این هنگام، دعای مستحب اراده می‌شود. مرحوم مجلسی مطرح می‌کند که: «شیخ ما به این وجه اشاره کرده است؛ گفت: اگر مراد قرائت و دعایی باشد که بعد از نماز در تعقیب نماز است، پس اشکالی ندارد» (مجلسی، ۱۴۰۶ ق: ۶۰۹/۳).

۸. چه بسا گفته می‌شود: اراده، خلاف ظاهر است. درحالی که برتری مستحب بر واجب بعید نیست (همان).

۹. کاشف الغطاء (۱۴۲۳ق)، فضیلت دعا بر قرآن را بر فصیح‌تر و پیداتر بودن دعا در بندگی و برتر بودن آن در فروتنی و خشوع حمل می‌کند و معتقد است که قرآن از لحاظ کلام برتر است و ذکر مقام را بالا می‌برد. به این اعتبار بین اخبار را جمع می‌کند (۸۵).

۱۰. آیه الله مکارم شیرازی (۱۳۵۳ش) معتقد است که در یک تحلیل کوتاه می‌توان به عمق مفاد این احادیث رسید. لذا از شش جهت، این روایت را تحلیل می‌کند.

«از یک سو بهترین سرمایه برای یک انسان، شناخت پروردگار است که دعا انسان را به این مسیر دعوت می‌کند.

از سوی دیگر انسان هنگام دعا کردن، خود را نیازمند معبود دیده و در برابر او فروتن می‌شود و کبر و غرورش را که همه بدبختی‌ها و مجادله در آیات خدا را به دنبال دارد، کنار می‌گذارد.

از سوی سوم پی می‌برد که تمامی نعمات از جانب خدا به او رسیده و رابطه عاطفی انسان با معبودش به این واسطه محکم می‌گردد.

از سوی چهارم بنده در پی درخواست از معبود خود را نیازمند و خدا را بی‌نیاز می‌بیند و این نیازمندی انسان، فرمان برداری از معبود بی‌نیاز را به دنبال دارد.

از سوی پنجم انسان می‌داند که برای استجاب دعایش شرایطی چون اخلاص در نیت و عمل و پشیمانی و توبه از گناه و حتی رسیدگی به حاجات نیازمندان را باید فراهم کند و این شرایط به خودسازی او کمک می‌کند و در راه تربیت نفس خویش حرکت می‌کند.

از سوی ششم همین که انسان دعا می‌کند بدین معناست که به اجابت آن امیدوار است و امیدواری به انسان، اعتماد به نفس داده و هم‌چنین باعث تلاش و کوشش او در مسیر خواسته‌اش می‌شود» (۱۶۶/۲۰).

۱۱. حبیب الله فرحزاد (۱۳۹۲ش) با استناد به گونه اول این روایات ذکر می‌کند که بهتر از دعای صلوات، دعایی وجود ندارد؛ چرا که امام رضا علیه السلام آن را به عنوان بهترین دعا معرفی کرده‌اند و از طرف دیگر، حتی دعا را برتر از قرائت قرآن می‌دانند. پس می‌توان چنین استدلال کرد که صلوات از قرائت قرآن برتر است (۲۲ و ۲۳).

شکی نیست که در حالت دعا، فروتنی و تضرع وجود دارد و این باعث نزدیکی به حضرت حق می‌شود؛ اما این توجه و اهمیت دعا را قرآن یادآور می‌شود و بیان می‌کند که: ﴿اگر دعای شما نباشد، پروردگرم به شما توجهی نمی‌کند﴾ (فرقان: ۷۷). استناد به آیات قرآن در این روایات از طرف معصوم، نشان از آن دارد که اصل و اساس را باید قرآن قرار داد و به دستورهایش پایبند بود و یکی از آنها توجه به دعاست.

نکته حائز اهمیت دیگری که از تأمل در روایت به دست می‌آید این است که امام در ابتدا جواب صریحی به سؤال راوی نمی‌دهد و شاید از جانب امام این ترس وجود داشته که افراد به یکی از آنها اکتفا کرده و دیگری را رها کنند؛ لذا می‌فرماید: هر دو خوب است هم دعا و هم قرآن (فرحزاد، ۱۳۹۳ ش: ۱۱۲).

بنابراین چنین به نظر می‌رسد که بهترین وجه در پذیرش این روایت، دیدگاه کاشف الغطاء است که بین اخبار را جمع می‌کند و هر دو را از طرفی، برتر می‌داند.

نتیجه‌گیری

در میان اخبار اهل بیت علیهم‌السلام روایاتی در باب برتری دعا بر قرائت قرآن وارد شده است که از نظر سند به سه گونه تقسیم می‌شوند. گونه اول، روایتی که بدون سند از امام صادق علیه‌السلام ذکر شده است. گونه دوم، روایتی که با سند صحیح از امام صادق علیه‌السلام وارد شده است و گونه سوم، حدیثی که با سند ضعیف از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است. علاوه بر گزارش سند این روایات، نقل‌های مختلف آن نیز در این نوشتار بیان شده تا اتحاد مضمون این روایات علی‌رغم اختلاف‌های بیانی آنها آشکار شود. بنابراین از آن‌جا که یکی از این نقل‌ها سند صحیحی دارد می‌توان آن را بر سند ضعیف ترجیح داد و پذیرفت.

از نظر محتوا نیز دیدگاه عالمان در مورد متن حدیث بیان شد که از بین دیدگاه‌های مطرح شده چنین به نظر می‌رسد که بهترین دیدگاه، نظر کاشف الغطاء است که بین اخبار را جمع می‌کند.

كتابنامه

* قرآن كريم.

١. ابن عساكر، على بن حسن، (١٤١٥ق)، تاريخ مدينة دمشق، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر و التوزيع.
٢. ابن إدريس حلّي، محمّد بن منصور، (١٤١٠ق)، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، دوم.
٣. ابن طاووس حلّي، على بن موسى، (١٤٠٦ق)، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم: دفتر تبليغات اسلامي حوزة علمية قم، اول.
٤. ابن فهد حلّي، احمد بن محمّد، (١٤٠٧ق)، عدّة الداعي و نجاح الساعي، بيروت: دارالكتب العربي، اول.
٥. ابن داوود، حسن بن علي، (بي تا)، الرجال، بي جا: منشورات الشريف الرضي.
٦. بحراني، شيخ يوسف، (بي تا)، الحدائق الناظرة في أحكام العترة الطاهرة، تحقيق: محمّد تقى ايرواني، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
٧. برقي، ابو جعفر، (بي تا)، الطبقات الرجال، بي جا: منشورات جامعة طهران.
٨. تهراني، محمّد، (١٣٩٤ش)، دائرة المعارف مشاهير، بي جا: ميراث ماندگار، اول.
٩. خارج فقه مقارن، (بيتا)، بي جا: بي نا.
١٠. خوئي، سيد ابوالقاسم، (١٤٠٩ق)، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، قم: دفتر آية الله العظمى الخوئي، چهارم.
١١. راوندي، سعيد بن هبة الله، (١٣٦٦ش)، الدعوات، تحقيق: موحد ابطحي اصفهاني، قم: مدرسة الإمام المهدي، اول.
١٢. سبحاني، جعفر، (بي تا)، موسوعة طبقات الفقهاء، بي جا: لجنة العلمية في مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
١٣. شيخ حرّ عاملي، محمّد بن حسن، (بي تا)، وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، تحقيق: شيخ عبدالرحيم رباني شيرازي، بيروت: دار احياء التراث العربي.

کتب و روايات

سال پنجم (دوره جديد) | شماره ١٠ | بهار ١٤٠٢

۱۴. _____ (بى تا)، هداية الأُمَّة إلى أحكام الانمّة، بى جا: مجمع البحوث الإسلامية.
۱۵. شيخ بهائى، محمّد بن حسين، (بى تا)، حبل المتين فى إحكام أحكام الدين، قم: منشورات مكتبة بصيرتى.
۱۶. طباطبائى، سيد محسن، (۱۳۹۱ق)، مستمسك العروة الوثقى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، چهارم.
۱۷. طبرسى، رضى الدين، (بى تا)، مكارم الأخلاق، تحقيق: محمّد حسين اعلمى، بى جا: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.
۱۸. طوسى، محمّد بن الحسن، (۱۳۶۴ش)، تهذيب الأحكام فى شرح المقنعة للشيخ المفيد، تهران: دارالكتب الإسلامية، چهارم.
۱۹. _____ (۱۴۱۵ق)، الرجال، تحقيق: جواد قيومى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، اول.
۲۰. _____ (۱۴۱۷ق)، الفهرست، تحقيق: جواد قيومى، بى جا: مؤسسه الفقاهة، اول.
۲۱. علامه حلى، حسن بن يوسف، (۱۴۱۴ق)، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، اول.
۲۲. _____، (۱۴۱۷ق)، خلاصة الأقوال فى معرفة الرجال، بى جا: مؤسسة الفقاهة، اول.
۲۳. فرحزاد، حبيب الله، (۱۳۹۲ش)، سيرى در فضائل و آثار صلوات، قم: نشر عطش.
۲۴. _____ (۱۳۹۳ش)، شرح صدر در سيرة پیامبر، قم: طوبای محبت.
۲۵. فيض كاشانى، محمّد محسن بن شاه مرتضى، (۱۴۰۶ق)، الوافى، اصفهان: كتابخانه امام امير المؤمنين على عليه السلام.
۲۶. قاسم پور، محسن و حسين ستّار، (۱۳۸۹ش)، فرهنگ اصطلاحات دراية الحديث و رجال، تهران: هستى نما، اول.
۲۷. كَشّى، محمّد بن عمر، (۱۳۴۸ش)، اختيار معرفة الرجال، تلخيص: محمّد بن الحسن طوسى، مشهد: دانشكده الهيات و معارف اسلامى.

۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ش)، الأصول من الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، پنجم.
۲۹. کفعمی، ابراهیم بن علی، (۱۴۰۵ق)، المصباح - جنة الأمان الواقية وجنة الايمان الباقية، قم: دارالرضی، دوم.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۵۳ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسة الوفا.
۳۲. _____، (۱۴۰۶ق)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، تحقیق: مهدی رجائی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، اول.
۳۳. مجلسی، محمدتقی، (بی تا)، روضة المتقين، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، دوم.
۳۴. مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، دوم.
۳۵. منسوب به امام رضا، علی بن موسی علیه السلام، (۱۴۰۶ق)، الفقه الرضا، تحقیق: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، مشهد: المؤتمر العالمي للإمام الرضا علیه السلام، اول.
۳۶. نجاشی، احمد بن علی، (بی تا)، رجال، محقق: سید موسی شبیری زنجانی، بی جا: مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۷. نجفی جواهری، محمدحسن، (۱۳۶۲ش)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق: عباس قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، هفتم.
۳۸. نجفی، هادی بن عباس، (۱۴۲۳ق)، هدی المتقین إلى شریعة سید المرسلین، نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء، اول.
۳۹. نوری، میرزا حسین، (بی تا)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.